





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده: تاریخ
گروه: تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی
(اوضاع اجتماعی زرتشتیان در دوره پهلوی اول ۱۳۲۰-۱۳۰۴ هـ.ش)

استاد راهنما:
دکتر الهام ملک زاده

استاد مشاور:
دکتر علیرضا ملایی توانی

پژوهشگر:
نگین ملک لو

بهمن ماه ۱۳۹۶

سپاسگزاری

در انجام این پژوهش از استاد راهنمای خود دکتر الهام ملک‌زاده کمال تشکر را دارم، که اینجانب را با نهادهایی که می‌توانستند در پژوهش حاضر موثر افتند، آشنا کردند و در طی پژوهش من را همراهی کردند؛ و از استاد مشاورم جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی بسیار سپاسگذارم که با وجود محدودیت زمانی در اصلاح و تکمیل این پژوهش و ارائه نظر خود برای جذاب‌تر کردن این پژوهش، بنده را یاری کردند. و از استاد داورم دکتر صفورا برومند کمال تشکر را دارم که قبول زحمت کردند و پایان‌نامه حاضر را مطالعه و نظرات اصلاحی خود را در جهت بهتر شدن این پژوهش بیان کردند. همچنین از استاد گران قدرم دکتر رضا رضازاده لنگرودی سپاسگذارم که در زمینه، در اختیار قرار دادن کتب و مجلات و نشریات موجود در بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، کمال مساعدت و همکاری با اینجانب را داشتند.

تقدیم

تقدیم به پدر و مادرم که در تمام مراحل زندگی مشوق و همراهم هستند.

چکیده

زرتشتیان که اکثریت جامعه ایران پیش از اسلام را تشکیل می‌دادند، پس از ورود اسلام به ایران شرایطشان بسته به سیاست‌ها و اعتقادات مذهبی فرمانروایان متغیر بود. روند اجرای سیاست‌گذاری حکومت‌ها بر نحوه رفتار مسلمانان با ایشان اثر می‌نهاد. در دوران قاجار، شرایط سیاسی و فکری و اجتماعی زرتشتیان به تدریج تغییر یافت چنان‌که در مجلس‌های دوره مشروطه دارای نماینده شدند؛ در دوره رضاشاه با حرکت به سمت تجدد و مدرنیته آنها به عنوان تنها عناصر باقی مانده‌ای که می‌توانستند تاریخ باستان را احیا کنند مورد توجه بیشتری قرار گرفتند. در این پژوهش سعی می‌شود با روش توصیفی-تحلیلی وضعیت اجتماعی زرتشتیان در دوره رضاشاه بررسی شود. یافته حاصل از این پژوهش مؤید آن است که در دوره پهلوی اول با توجه به ایدئولوژی ناسیونالیسم و اینکه یکی از عناصر اصلی این ایدئولوژی، باستان‌گرایی می‌باشد، وضعیت اجتماعی زرتشتیان به عنوان نمایندگان تاریخ باستان در مقوله رابطه با حکومت بهبود می‌یابد، همچنین در مقوله رابطه مردم با زرتشتیان و رابطه آنها با زیست جهان مادی و معنوی‌شان در این دوره به رغم وجود فراز و نشیب‌هایی وضعیت آنها تغییرات مثبتی می‌یابد.

کلیدواژه: زرتشتی، جزیه، مدرنیسم یا تجدد، ناسیونالیسم، وضعیت اجتماعی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۱
فصل اول: کلیات	۲
۱-۱- بیان موضوع	۳
۱-۲- سؤالات پژوهش	۴
۱-۳- فرضیه های پژوهش	۴
۱-۴- تعریف مفاهیم	۵
۱-۵- روش پژوهش	۷
۱-۶- اهداف پژوهش	۷
۱-۷- اهمیت و ضرورت پژوهش	۸
۱-۸- پیشینه پژوهش	۸
۱-۹- قلمرو پژوهش	۱۰
۱-۱۰- نوع پژوهش	۱۰
۱-۱۱- دشواریهای تحقیق	۱۰
۱-۱۲- نقد منابع	۱۰
فصل دوم: وضعیت اجتماعی زرتشتیان ایران از حمله عربها تا پیش از دوره پهلوی اول	۱۳
۱-۲- زیست اجتماعی زرتشتیان بعد از حمله عربها و در قرون نخستین اسلامی	۱۴
۱-۱-۲- نقش ادبیات پیشگویانه در پذیرش اسلام توسط زرتشتیان و زیست با یکدیگر	۱۴
۲-۱-۲- جزیه و بازتاب اجتماعی آن	۱۵
۲-۳- پوشش و حملونقل زرتشتیان	۱۶
۲-۲- وضعیت اجتماعی زرتشتیان در دوران بنی امیه	۱۶
۲-۳- وضعیت اجتماعی زرتشتیان در دوران بنی عباس	۱۸
۲-۴- وضعیت آموزش و اجازه رفتن ذمیها به مدرسه در دوران اموی و عباسی	۲۰
۲-۵- وضعیت اجتماعی زرتشتیان در دوران حکام محلی تا حمله مغول	۲۰
۲-۶- زرتشتیان در دوره حملات مغول	۲۱
۲-۷- وضعیت اجتماعی زرتشتیان در دوره صفویه	۲۱
۲-۷-۱- آشنایی با پارسیان هند در دوران صفویه	۲۲
۲-۷-۲- احیای طریقه تشیع و اثر آن بر وضعیت اجتماعی زرتشتیان	۲۳
۲-۸- وضعیت اجتماعی زرتشتیان در دوران قاجار	۲۶
۲-۸-۱- مانکچی هاتریا و تحول وضعیت اجتماعی زرتشتیان	۲۸

۲۹	۲-۸-۲- لغو جزیه
۳۰	۳-۸-۲- زرتشتیان و مشروطه
۳۵	۳-۸-۲- وضعیت آموزش و مدارس زرتشتیان بعد از مشروطه و اواخر قاجار
۳۸	فصل سوم: زرتشتیان و حکومت پهلوی
۳۹	مقدمه
۴۰	۱-۳- وضعیت فکری و ایدئولوژیکی حکومت رضاشاه
۴۰	۳-۱-۱- پیشینه توجه به اندیشه ملیگرایی
۴۰	۳-۱-۲- ضرورت ایجاد وحدت ملی
۴۲	۳-۱-۳- روند استقرار حکومت رضاشاه
۴۳	۳-۱-۴- عناصر محوری گفتمان تجدد در دوره رضاشاه
۴۵	۳-۱-۵- اقدامات دولت پهلوی در ایجاد هویت ایرانی متجدد
۴۶	۳-۱-۶- ناسیونالیسم در دوره رضاشاه
۴۷	۳-۱-۷- نظریه پردازان حلقه برلین و تقویت ایدئولوژی باستانگرایی
۴۹	۳-۲- رابطه مردم (زرتشتیان) با حکومت
۴۹	۳-۲-۱- نقش زرتشتیان در قدرتگیری رضاشاه
۴۹	۳-۲-۲- دیدگاه زرتشتیان نسبت به حکومت پهلوی
۵۰	۳-۲-۳- روابط پارسیان هند با ایران در دوره رضاشاه
۵۲	۳-۲-۴- تلقی زرتشتیان از اقدامات دولت رضاشاه
۵۳	۳-۳- رابطه حکومت با زرتشتیان
۵۳	۳-۳-۱- چهره‌های تاثیرگذار زرتشتی و غیر زرتشتی از جمله پورداوود در دوره پهلوی اول
۵۳	۳-۳-۲- ارباب کیخسرو شاهرخ
۵۸	۳-۳-۳- نقش ارباب کیخسرو در تحول زندگی اجتماعی زرتشتیان در دوره پهلوی
۶۰	۳-۳-۴- اردشیر جی ریپورتر
۶۳	۳-۳-۵- ارباب مهربان مهر زرتشتی
۶۴	۳-۳-۶- پورداوود و نقش او در همکاری و فعالیتهای فرهنگی پارسیان هند در راستای سیاست پهلوی اول
۶۶	۳-۳-۲- رفتار و نظر رضاشاه نسبت به زرتشتیان
۶۹	فصل چهارم: حیات اجتماعی زرتشتیان ایران در دوره پهلوی اول
۷۰	مقدمه
۷۱	۴-۱- رابطه مردم با مردم در زندگی روزانه (زرتشتیان و مسلمانان)
۷۴	۴-۲- رابطه زرتشتیان با زیست جهان مادی
۷۴	۴-۲-۱- وضعیت اجتماعی زرتشتیان

۷۶	۲-۲-۴- تاثیر ایدئولوژی باستانگرایی رضاشاه بر اوضاع اجتماعی زرتشتیان
۷۷	۳-۲-۴- قانون احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه
۷۸	۴-۲-۴- وضعیت اقتصادی زرتشتیان
۸۰	۵-۲-۴- وضعیت مهاجرت زرتشتیان در دوره پهلوی اول
۸۲	۳-۴- زرتشتیان و زیست جهان معنوی
۸۲	۱-۳-۴- وضعیت مراسم و آیینهای زرتشتیان
۸۲	۱-۱-۳-۴- ازدواج زرتشتیان
۸۴	۲-۱-۳-۴- تغییر مذهب زرتشتیان در دوره پهلوی اول
۸۶	۳-۱-۳-۴- مراسم تدفین زرتشتیان
۸۷	۴-۱-۳-۴- دشواریها و حوادث زرتشتیان در حین انجام آیینهای زرتشتی
۸۸	۵-۱-۳-۴- آرامگاه زرتشتیان
۸۹	۶-۱-۳-۴- آتشکدههای زرتشتیان
۸۹	۷-۱-۳-۴- آدریان تهران
۹۱	۲-۳-۴- نهادها، آموزشگاهها و مراکز آموزشی زرتشتیان
۹۱	۱-۲-۳-۴- دبستان پسرانه جمشید جم
۹۲	۲-۲-۳-۴- دبستان دخترانه ایرج
۹۴	۳-۲-۳-۴- دبیرستان دخترانه انوشیروان دادگر
۹۶	۵-۲-۳-۴- دبیرستان فیروز بهرام
۱۰۱	۳-۳-۴- وضعیت فرهنگی و هنری زرتشتیان
۱۰۳	فصل پنجم: نتیجه گیری و ضمائم
۱۰۷	فهرست منابع و مآخذ
۱۱۴	پیوست ها
۱۳۸	چکیده انگلیسی

پیشگفتار

سرزمین ایران در طول تاریخ به علت گستردگی از تنوع دینی و مذهبی برخوردار بوده است. در هنگام ورود اسلام به ایران ساکنان ایران دارای مذاهب گوناگونی از جمله مسیحیت، زرتشتی، یهودی و دیگر ادیان بودند که البته با توجه به سیاست‌های پادشاهان ساسانی آیین زرتشت به عنوان مذهب رسمی در اکثریت قرار داشته است و بالطبع زرتشتیان دارای جایگاه والا و مقام و مناصب دیوانی نیز بودند. (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۰)

با ورود اسلام به ایران، رویارویی سپاهیان عرب با ایرانیان زرتشتی آغاز شد. این امر موجب مقاومت‌ها و درگیری‌های زیادی در مناطق مختلف ایران شد؛ سرانجام پیروزی قطعی با مسلمانان بود که به جز زرتشتیانی که قبول اسلام کردند و مسلمان شدند، به مهاجرت بسیاری از زرتشتیان به مناطق مختلف از جمله هند منجر شد. این امر همبستگی زرتشتیان را از بین برد، لذا دیگر نتوانستند مقاومتی جدی برای حفظ دین خود نشان دهند. آن گروه از زرتشتیان که همچنان در پایبندی در دین خود اصرار داشتند با پرداخت جزیه آزادی در دین خود را خریدند و به زندگی در جامعه مسلمانان ادامه دادند. (افشار، ۱۳۳۰: ۷-۶)

وقوع این دگرگونی سیاسی و تغییر دین رسمی کشور و در اقلیت قرار گرفتن زرتشتیان که پیش از آن در اکثریت قرار داشتند، زندگی اجتماعی آنها را هم طی قرون مختلف دچار تغییر نمود. دسته‌بندی کلی این تغییرات می‌تواند در چند مرحله مورد بررسی قرار گیرد؛ مرحله اول از ورود عرب‌ها به ایران و دوران خلفای راشدین؛ مرحله دوم دوران حکومت‌های بنی امیه و بنی عباس؛ مرحله سوم دوران حکومت‌های محلی ایرانی؛ مرحله چهارم حمله ترکان و مغولان؛ مرحله پنجم دوران حکومت صفویه؛ مرحله ششم دوران حاکمیت قاجار و مشروطیت و مرحله هفتم دوران حکومت پهلوی؛ در هر کدام از این ادوار و مراحل، زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جامعه زرتشتیان با فراز و نشیب‌هایی رو-به‌رو می‌شود که در این پژوهش تا جایی که موضوع را پوشش دهد به آنها پرداخته خواهد شد.

لازم به ذکر است با توجه به اینکه حوزه مطالعاتی این پژوهش تاریخ اجتماعی که شیوه نوینی در پژوهش‌های تاریخی است، می‌باشد، بررسی تاریخ اجتماعی زرتشتیان به عنوان یک اقلیت مذهبی کار را دشوارتر نموده و در طی پژوهش با خلاء منابع کافی که به صورت مستقیم به این مبحث پرداخته باشند مواجه بوده، بنابراین نیاز به بررسی منابع گسترده‌ای شامل کتب متعدد و اسناد و مجلات بود تا شاید در جهت پربارتر کردن این پژوهش موثر افتند که البته این امر خود نیازمند یک بازه زمانی طولانی بوده که با توجه به محدودیت زمانی در انجام این پژوهش، همچنین وجود محدودیت در قوانین این مراکز از جهت ارائه خدمات، امکان دسترسی جامع و کامل به آنها وجود نداشت، اما حتی الامکان از آنها در این پژوهش بهره برده شد. برای دسترسی به اطلاعات در این پژوهش به مراکزی مانند مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز اسناد کتابخانه ملی، کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس شورای ملی، مرکز اسناد و نشریات کتابخانه ملی و کتابخانه اردشیر یگانگی مراجعه و از آنها بهره برده شد. در این راه از استاد راهنمای خود دکتر الهام ملک زاده کمال تشکر را دارم، که اینجانب را با نهادهایی که می‌توانستند در پژوهش حاضر موثر افتند، آشنا کردند و در طی پژوهش اینجانب را همراهی کردند؛ و از استاد مشاورم جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی بسیار سپاسگذارم که با وجود محدودیت زمانی در اصلاح و تکمیل این پژوهش و ارائه نظر خود برای جذاب‌تر کردن این پژوهش، اینجانب را یاری کرد. همچنین از استاد گران قدرم دکتر رضا رضازاده لنگرودی سپاسگذارم که در زمینه، در اختیار قرار دادن کتب و مجلات و نشریات موجود در بنیاد دایره المعارف اسلامی، با اینجانب کمال مساعدت و همکاری را داشتند.

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان موضوع

زرتشتیان به عنوان اقلیت مذهبی دیرپا و بومی ایران از شرایط اجتماعی بالنسبه خوبی نسبت به دیگر اقلیت‌ها، در ادوار مختلف ایران پس از اسلام برخوردار بودند. در دوران صفویه با روی کار آمدن حکومت شیعی و قدرت یافتن نهادهای مذهبی وابسته به آن تغییراتی در وضعیت اقلیت‌های مذهبی و از آن جمله زرتشتیان به وجود آمد. ناگفته روشن است، هرگاه قدرت مذهبی و تعصبات دینی به آن افزایش می‌یافت شرایط زیستی اقلیت‌ها نیز می‌توانست دچار تلاطم شود. نتیجه این موقعیت، نارضایتی و یا اعتراض‌های مختلفی بود که با سقوط دولت صفوی بروز یافت. رویکردهای مذهبی دوران قاجار، شرایط مثبتی در حیات اقلیت‌ها از جمله زرتشتیان ایران پدید آورد.

همزمان با روی کار آمدن رضاشاه، نقش دولت انگلستان در روی کار آمدن وی و حضور مؤثر مشاور سیاسی نایب‌السلطنه انگلیس در هند (مرکز مستعمرات در جنوب آسیا) یعنی اردشیر ریپورتر که در ظاهر به نمایندگی پارسیان هند و رسیدگی به امور زرتشتیان به ایران آمده بود، و در واقع مجری سیاست‌های دولت بریتانیا بود، زرتشتیان ایران به تدریج وارد عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شدند و با گسترش و نهادینه شدن اندیشه‌های مقوم حکومت پهلوی از جمله ناسیونالیسم، باستان گرایی و گسترش عرفی شدن و توسعه سکولاریسم، آیین زرتشت مورد حمایت حکومت قرار گرفت. این امر، تحولات عمیقی در حیات اجتماعی زرتشتیان ایران فراهم آورد.

به این ترتیب، زرتشتیان در سایه حمایت‌های رضاشاه، موفق به گسترش مراکز آموزشی و بهداشتی شدند و علاوه بر استفاده از وضعیت به دست آمده، برای همکیشان خود در اجرای سیاست‌های فرهنگی رژیم مساعدت کردند. در این دوره زرتشت به عنوان مظهر ملی، اوستا به عنوان یادگار مهم باستانی و اهورا مزدا به عنوان نشان ایرانی‌گری با تبلیغات فراوان از سوی دولت شناخته و شناسانده می‌شد. بدین ترتیب، همگام با گسترش تجددگرایی در ایران، در میان زرتشتیان تلاش برای فراهم آوردن زمینه مشارکت اجتماعی از دایره هم‌کیشان زرتشتی هم فراتر رفته و سایر احاد جامعه را هم پوشش می‌داد که حضور دختران و زنان زرتشتی در مدارس و در کسوت شاغلان بخش‌های مختلف اداری و خدماتی و همراهی با برنامه‌های تغییر لباس و امریه کشف حجاب که منع مذهبی از سوی

ایشان نداشت موبد این امر است و همچنین نشانگر این است که فضای تعامل مناسبی بین زرتشتیان و حکومت به تدریج در حال پدید آمدن بود.

در این پژوهش سعی می‌شود با روش توصیفی - تحلیلی حیات اجتماعی زرتشتیان در دوران پهلوی طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰، مورد بررسی قرار گیرد و تغییر و تحولات سیاسی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و تأثیری که این تحولات بر وضعیت اجتماعی جامعه زرتشتی ایران نهاده، با توجه به اهمیت مسئله زیست مشترک با اقلیت‌ها و تأثیر آن بر تحکیم نهاد قدرت و ثبات اجتماعی جامعه شناسایی و تحلیل شود. اثرات حضور زرتشتیان در عرصه اجتماع ارزیابی و تغییرات وضعیت زندگی جامعه زرتشتی در بازه زمانی این پژوهش، همچنین اثرات متقابل اقدامات حکومت پهلوی بر جامعه زرتشتی بررسی و ارائه گردد.

لازم به ذکر است علی‌رغم برخی از دستاوردهای مهم زرتشتیان و نقش آنان در تحولات اجتماعی ایران در دوران معاصر، تا کنون مورخان توجهی شایسته به اوضاع اجتماعی زرتشتیان در دوره پهلوی اول نداشته‌اند، به طوری که جز اشاراتی کوتاه، به اوضاع اجتماعی زرتشتیان در این دوره توجهی صورت نگرفته است. لذا این پژوهش بر آن است تا به تدوین اوضاع اجتماعی زرتشتیان در دوره پهلوی اول بپردازد و از این رهیافت به چرایی بهبود اوضاع اجتماعی زرتشتیان در دوران سلطنت رضاشاه، تحولات زندگی اجتماعی زرتشتیان، تأثیر سیاست‌های حاکمیت بر اوضاع اجتماعی آنان و مهم‌ترین حوزه‌هایی که زرتشتیان فعالیت‌های اجتماعی خود را در آن متمرکز نمودند، بپردازد.

۱-۲- سؤالات پژوهش

پرسش اصلی :

چرا و چگونه در دوره رضاشاه زرتشتیان ایران وضعیت اجتماعی مناسب‌تری یافتند؟

پرسش‌های فرعی:

۱- زندگی اجتماعی زرتشتیان در دوره پهلوی اول چه تحولاتی را پشت سر نهاد؟

۲- سیاست‌های دوره پهلوی اول بر وضعیت و فعالیت‌های اجتماعی زرتشتیان چه اثراتی نهاد؟

۳- مهم‌ترین حوزه‌هایی که زرتشتیان در دوره پهلوی اول فعالیت‌های اجتماعی خود را در آن متمرکز کردند، چه حوزه‌هایی بود؟

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

۱- در روند نوسازی‌های دوره پهلوی اول که بر بنیاد سیاست‌های باستان‌گرایانه انجام می‌یافت زرتشتیان با حمایت دولت در مشاغل مختلف اداری، اجرائی، خدماتی وارد شدند و در مجموع حیات اجتماعی و سیاسی آنها بهبود چشمگیری یافت.

۲- ایدئولوژی حاکم بر سیاست‌های حکومت پهلوی اول به ویژه ناسیونالیسم و ایران گرایی باستان نگر موجب توجه بیشتر به زرتشتیان به عنوان میراث بازمانده از ایران باستان شد و در نتیجه شرایط بهتری را برای آنها رقم زد.

۱-۴- تعریف مفاهیم

-زرتشتیان: زرتشتی، منسوب به زرتشت، کسی که دارای دین زرتشت است. بهدین، گبر. (دهخدا: ۱۳۳۹، ج ۲۲، ۳۳۰) زرتشتیان به پیروان آیین زرتشت گفته می‌شود که از دوران باستان در ایران حضور داشتند و مذهب و کیش رسمی در دوران ساسانیان متعلق به این گروه و آیین‌شان بود. پس از ورود اسلام به ایران این گروه به عنوان یک اقلیت مذهبی شناخته شدند که با پرداخت جزیه توانستند به زندگی در جامعه مسلمانان ادامه دهند، اما با وجود پرداخت جزیه این گروه در طول تاریخ ایران همواره مورد بغض و کینه و آزار و اذیت مسلمانان قرار داشتند و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی زیادی برای آنها در نظر گرفته می‌شد، تا جایی که برای آنها قوانینی برای تغییر لباس و دیگر موارد جهت تمایز یافتن با جامعه مسلمانان وضع و اجرا می‌شد. (همان)

-جزیه: این لفظ مأخوذ از گزیت فارسی است؛ و آن مقرری مالیاتی است که بر کافر ذمی در بلاد اسلام مقرر است و در اصطلاح فقهی مالی است که بر ذمی وضع می‌شود و آن را خراج و مالیات سرانه نیز گویند. جزیه و خراج همانندند، بدان جهت که هر دو از غیر مسلمان و سالی یک‌بار در وقت معین اخذ می‌شود و جزء اموال فیئیه محسوبند. ولی جزیه با به اسلام در آمدن از بین می‌رود اما خراج هیچ‌گاه ساقط نمی‌شود. (دهخدا، ۱۳۳۸: ج ۱۴، ۴۴۵) در حقیقت جزیه نوعی مالیات است که غیر مسلمانان تحت شرایط خاص به امام مسلمین پرداخت می‌کنند و در مقابل اجازه سکنی در قلمرو حکومت اسلامی به آنها داده می‌شود و جان و ناموس آنان تحت حمایت حکومت اسلامی قرار می‌گیرد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹: ۹۸)

-مدرنیسم یا تجدد: مدرنیسم یا تجددخواهی در اروپا و در حوزه دین مسیحی، تمایلات آزادی-خواهانه، در اواخر قرن ۱۹م و اوایل ۲۰م برای تجدید نظر در بسیاری از عقاید رسمی و سنتی دین مسیح جهت سازگار کردن آن با نتایج پیشرفت‌های علمی که مخصوصاً از قرن ۱۹م به بعد برای بشر حاصل شده است. نظیر چنین تمایلات در حوزه‌های دینی اسلامی نیز از اواخر قرن ۱۹ پیدا شد، گرچه نام تجددطلبی به خصوص بر این گونه تمایلات و نهضت‌ها در میان مسلمانان داده نشد و از پیروان آن در بعضی از ممالک اسلامی به سلفیه یاد شد. (مصاحب، ۱۳۸۱: ۲۷۲۰)

-ناسیونالیسم: ناسیونالیسم نوعی آگاهی گروهی است؛ یعنی آگاهی به عضویت در ملت یا وابستگی به ملت. این آگاهی را غالباً «آگاهی ملی» می‌خوانند. آگاهی ملی غالباً پدید آورنده وفاداری و شور و

شوق افراد به عناصر متشکله ملت (نژاد، زبان، سنت‌ها، عادت‌ها، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، و به طور کلی فرهنگ) و گاهی تجلیل فوق‌العاده از آنها و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملت‌هاست. از آنجا که هر ملت دارای سرزمینی خاص است، وفاداری به خاک و فداکاری برای آن و تجلیل از آن از ارکان ناسیونالیسم است. (آشوری، ۱۳۵۲: ۱۶۷-۱۶۶)

ناسیونالیسم ایدئولوژی‌ای است که «دولت ملی» را عالی‌ترین شکل سازمان سیاسی می‌داند و مبارزه‌های ناسیونالیستی علیه تسلط یا تهاجم خارجی برای به وجود آوردن یا حفظ چنین دولتی است. رشد ناسیونالیسم در عین حال مشخصه یک دوره تاریخی است که در آن ملت‌ها به صورت واحدهای سیاسی مستقل درآمدند و اصل «حاکمیت ملی» شناخته شد. این دوره برای اروپا از قرن هفدهم تا اواخر قرن نوزدهم طول کشید و در آسیا و به ویژه آفریقا نیمه دوم قرن بیستم را در بر می‌گیرد.

ناسیونالیسم به عنوان آگاهی گروهی، مستلزم حس همبستگی و وحدت است و این حس ناشی از بعضی عوامل عینی و ذهنی است مانند زبان مشترک، ارزش‌های اخلاقی، دین، ادبیات، سنت‌های تاریخی، تاریخ، سمبل‌ها و تجربه‌های مشترک. عامل عینی حس همبستگی بیشتر با رشد سیستم ارتباطات پدید می‌آید.

ناسیونالیسم مستلزم احساس مسئولیت در برابر سرنوشت ملی و وفاداری به ملت است که بر سایر وفاداری‌ها مقدم است و این وفاداری ملازم با فداکاری است. بنابراین خیانت به دولت ملی خیانت به ملت شمرده می‌شود. ناسیونالیسم فرد را در برابر خواست‌های ملی (مانند حفظ یا کسب استقلال ملی) یا کوشش برای رفاه، سربلندی، و ترقی ملت مسئول می‌شمارد و ترقی و پیشرفت را صرفاً ناشی از عمل ملت‌ها می‌شمارد و از این جهت هر فرد در عین مسئولیت داشتن از غرور کرده‌ها و افتخارهای ملی و سوابق تاریخی و فرهنگی ملت خود برخوردار است. (آشوری، ۱۳۵۲: ۱۶۶-۱۶۷؛ علی‌بابائی، ۱۳۶۹: ۲۱۶؛ مصاحب، ۱۳۸۱: ۲۹۹۰)

-حیات اجتماعی: تاریخ اجتماعی بنا بر یک تعریف اولیه حوزه‌ای از مطالعات تاریخی است که به زعم برخی، بیشتر در شمار علوم اجتماعی قرار می‌گیرد که تلاش می‌کند رویدادهای تاریخی را از منظر جریان‌های اجتماعی بنگرد. بنا بر این تعریف، تاریخ اجتماعی حوزه‌های مختلف تاریخ اقتصادی، تاریخ حقوقی و تاریخ تحولات و هنجارهای اجتماعی را نیز شامل می‌شود. همه محققان تاریخ اجتماعی با این واقعیت همداستان‌اند که تاریخ اجتماعی از تاریخ سیاسی و نظامی و آنچه که به اصطلاح تاریخ مردان بزرگ نامیده می‌شود، متمایز است. از جهت همین تمایز است که تاریخ اجتماعی را غالباً تاریخ نگاری از پایین یا تاریخ توده مردم یعنی تاریخ مردم عادی و معمولی می‌خوانند؛ زیرا مهم‌ترین موضوع آن زندگی و به خصوص زندگی روزانه توده‌های مردم جامعه است

که به زعم و بنابر ایدئولوژی مورخان اجتماعی، آفرینندگان واقعی رویدادهای تاریخ‌اند و بیش از مردان بزرگ و رهبران در شکل دادن تاریخ سهم دارند. در واقع به یک تعبیر، تاریخ اجتماعی در نقطه مقابل تاریخ سیاسی و شیوه‌های مشابه با آن در تاریخنگاری و نظریه‌های غالب این نوع نگرش به تاریخ شکل گرفت. تاریخ اجتماعی از یک سو خود را از تاریخ سیاسی متمایز می‌سازد، که این امر رویکردی غالب در بیشتر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود. در نتیجه واژه اجتماعی در تاریخ اجتماعی به معنای توجه به ساختارهای جامعه و تحول و تغییر اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی، گروه‌ها و طبقات، شرایط کاری و سبک‌های زندگی، خانواده‌ها، خاندان‌ها، جوامع محلی، شهری شدن، تحرک اجتماعی، گروه‌های قومی و امثال اینهاست. از سوی دیگر، تاریخ اجتماعی، با تاکید بر تغییر اجتماعی به عنوان هسته محوری‌ای که تطبیق و شناخت جهان معاصر باید حول آن سامان یابد، روایت‌های تاریخی غالب را حول تاریخ سیاست و حکومت یا حول تاریخ عقاید شکل گرفته‌اند به چالش می‌کشد. مورخان اجتماعی با در نظر داشتن چنین هدفی در صدد کشف مناسبات میان اقتصاد، فرایندها و ساختارهای جمعیت نگاشتی و اجتماعی، و نیز تاثیر آنها بر نهادهای سیاسی، توزیع ثروت و منابع، جنبش‌های اجتماعی، جهان‌بینی‌های مشترک و اشکال رفتارهای عمومی و خصوصی برآمدند. (موسی‌پور بشلی و باسط، ۱۳۹۴: ۳۶)

در پژوهش حاضر معنی و مفهومی که برای تاریخ اجتماعی در نظر گرفته شده و شکل دهنده فصول می‌باشد عبارت است از این تعریف که تاریخ اجتماعی می‌کوشد تا زندگی اجتماعی مردم را در سه حوزه رابطه مردم با مردم در زندگی روزانه، رابطه مردم با دولت و حکومت و رابطه مردم با زیست جهان مادی و معنوی‌شان بررسی و تدوین کند. (موسی‌پور، تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۳، شماره ۶، ۱۳۸۶: ۳) لازم به ذکر است که در این پژوهش منظور از مردم، زرتشتیان می‌باشند.

۱-۵- روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی خواهد بود. در این پایان‌نامه با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای، از منابع و مآخذی چون اسناد، قوانین و مصوبات اجتماعی، سالنامه‌ها، روزنامه‌ها و جراید و خاطره‌نگاری‌ها استفاده می‌شود. پس از جمع‌آوری داده‌ها و توصیف موضوع پژوهش، تلاش می‌شود سیر تاریخی تحولات اجتماعی جامعه زرتشتیان مشخص گردد. سپس با رویکردی تحلیلی، داده موجود استخراج و پس از تبیین مطالب، این یافته‌ها مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرند.

۱-۶- اهداف پژوهش

الف) تدوین تاریخ تحولات اجتماعی جامعه زرتشتیان ایران در دوره پهلوی اول

ب) بررسی جایگاه و کارکرد زرتشتیان در روند نوسازی‌های دوره رضاشاه و اثرات متقابل سیاست-های حکومت بر جامعه زرتشتی ایران

ج) معرفی فعالان اجتماعی زرتشتی و فعالیت‌هایشان در جامعه ایران

۱-۷- اهمیت و ضرورت پژوهش

- حضور زرتشتیان به عنوان یک اقلیت دینی دیرپا در ایران و همچنین زیست مشترک این اقلیت با ایرانیان، نشان دهنده ظرفیت بالای جامعه ایران به عنوان یک جامعه با تکتور قومی و مذهبی می‌باشد؛ از همین رو پرداختن به تاریخ اقلیت‌ها گامی مؤثر در تحکیم مبانی هویت ملی در جامعه ایران خواهد بود.

- حضور تاریخی زرتشتیان در ایران و همچنین تأثیراتی که در برخی از تغییرات و حوادث تاریخی ایران معاصر داشتند، لزوم پرداختن به این موضوع را پررنگ‌تر می‌کند.

- خلأ مطالعاتی و تحقیقاتی که در باب این موضوع وجود دارد، پژوهش در این حوزه را ضرورت می‌بخشد.

۱-۸- پیشینه پژوهش

با رویکرد موضوع کنونی اثراتی تألیف شده‌اند که قابل دسته‌بندی در گروه‌های، کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌ها، مجلات و نشریه‌ها و اسناد می‌باشند که به شرح زیر می‌باشند:

کتاب‌ها:

- کتاب فرزنانگان زرتشتی و تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان، رشید شهمردان: این دو کتاب از جمله مهم‌ترین منابع زرتشتی هستند که به تاریخ زرتشتیان پس از اسلام پرداخته‌اند. در کتاب فرزنانگان زرتشتی نویسنده شرح حالی از بزرگان زرتشتی در دوران اسلامی ایران آورده است. کتاب دوم هم که بیشتر به دوران قبل از قاجار می‌پردازد، ولی با این حال اطلاعات کلی را درباره زرتشتیان و وضعیت اجتماعی‌شان در دسترس قرار می‌دهد.

- تاریخ پهلوی و زرتشتیان، جهانگیر اشیدری: این کتاب به علت اینکه نویسنده از اسناد زرتشتیان ایران و هند استفاده کرده است منبعی بسیار مهم به حساب می‌آید. نویسنده از برخی منابع مورد استفاده شهمردان در دو کتاب فرزنانگان زرتشتی و تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان استفاده نموده است، اما مطالب را بدون ترتیب تاریخی آورده است. نکته مورد توجه در این منبع نگاه بسیار مثبت نویسنده به رضاشاه می‌باشد که البته این امری طبیعی است چرا که زرتشتیان در دوره رضاشاه دارای امتیازات زیادی گردیدند.

-خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ، تالیف جهانگیر اشیدری: این کتاب منبعی سودمند جهت دستیابی به وضعیت سیاسی و اجتماعی و مذهبی و اقتصادی زرتشتیان از دیدگاه ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده فعال زرتشتیان در مجلس می باشد.

-خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ، تالیف شاهرخ شاهرخ و راشنا رایتر: این کتاب هم عیناً همانند کتاب اشیدری می باشد که به بررسی زندگی ارباب کیخسرو شاهرخ پرداخته که از خلال آن می توان به وضعیت اجتماعی زرتشتیان و فعالیت های ارباب کیخسرو جهت بهبود وضعیت آنها و همچنین رابطه متقابل حکومت و آنها پی برد.

-کتاب زرتشتیان و آداب و رسوم و مراسم دینی آنها، موبد اردشیر آذرگشسب: در این کتاب به صورت خلاصه آداب و رسوم دینی زرتشتیان را در دوران قاجار و پهلوی مورد بررسی قرار گرفته و همچنین درباره تمام مراسم زرتشتیان از جمله ازدواج و تدفین و غیره صحبت شده است و هدف از این کتاب آشنایی با آداب و مراسم های زرتشتیان می باشد.

پایان نامه ها:

تا کنون با رویکرد موضوع کنونی اثر پژوهشی جدی تالیف نشده است. تنها یک پایان نامه نزدیک به موضوع حاضر با عنوان «بررسی تطبیقی اوضاع زرتشتیان در دو دوره صفویه و قاجاریه» توسط مرگان حاجی اکبری در دانشگاه خوارزمی نوشته شده است که این پایان نامه هم به صورت کلی در باب وجوه مختلف حیات زرتشتیان از جمله اقتصاد زرتشتیان و همچنین فعالیت های اجتماعی ایشان و محدودیت ها و موانعی که در حیات اجتماعی خود در آن دوره با آنها رو به رو بوده صحبت شده و همچنین اشخاص برجسته آنها معرفی شده است؛ که می تواند در شناخت اوضاع زرتشتیان ایران پیش از ورود به دوره پهلوی مورد توجه قرار گیرد. که تفاوت آن با پژوهش حاضر قلمرو زمانی آن می باشد.

همچنین پایان نامه ای با عنوان «وضعیت سیاسی - اجتماعی زرتشتیان در قرون نخستین هجری» توسط دکتر شجاع نوری در دانشگاه الزهرا تدوین شده است که برای شناخت اوضاع زرتشتیان در قرون نخستین اسلامی مورد توجه می باشد.

اسناد:

در بخش اسناد در این پژوهش از کتاب اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران، به کوشش تورج امینی استفاده شده است. در این کتاب اسناد مختلف زرتشتیان که بیشتر در حوزه حیات اجتماعی آنها می باشد توسط نویسنده از مرکز اسناد ملی ایران جمع آوری شده است که بسیار سودمند و مورد استفاده در پژوهش حاضر می باشد. همچنین اسنادی هم جدای از این تالیف از آرشیو اسناد ملی مورد استفاده قرار گرفته که همگی مربوط به وضعیت اجتماعی زرتشتیان می باشند.

مجلات و نشریات:

نشریه‌های کاوه و ایرانشهر و نامه فرنگستان و همچنین مجلات و نشریات داخلی خود زرتشتیان نیز که تماماً به وضعیت اجتماعی و آداب و رسوم زرتشتیان پرداخته‌اند؛ که تعدادی از آنها که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از: هوخت، چیستا، فروهر و مهنامه زرتشتیان.

۹-۱- قلمرو پژوهش

الف) قلمرو مکانی: قلمرو مکانی این پژوهش شهرهای تهران و کرمان و یزد می‌باشد؛ که البته به علت اینکه تهران مرکز حکومت و پایتخت بوده است، زرتشتیان ساکن تهران مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند.

ب) قلمرو زمانی: قلمرو زمانی این پژوهش دوره سلطنت رضاشاه یعنی سال ۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش می‌باشد.

ج) قلمرو موضوعی: قلمرو موضوعی پژوهش، وضعیت اجتماعی زرتشتیان در دوران ذکر شده می‌باشد.

۱۰-۱- نوع پژوهش

از آنجا که تاکنون به طور مستقل در باب «اوضاع اجتماعی اقلیت مذهبی زرتشتیان در دوره پهلوی اول» کار علمی جدی و مستندی تدوین و منتشر نشده است، این پژوهش، در زمره پژوهش علمی-ترویجی جای می‌گیرد.

۱۱-۱- دشواری‌های تحقیق

با توجه به اینکه حوزه این پژوهش تاریخ اجتماعی می‌باشد و اینکه تاریخ اجتماعی حوزه‌ای جدید در حوزه مطالعات تاریخی است لذا با اشارات کمتر در منابع موجود مواجه می‌باشد؛ اما در اسناد و مجلات بیشتر به این حوزه توجه شده است که آن هم با توجه به محدودیت‌ها در ارائه خدمات از سوی سازمان‌ها امری مشکل بود.

۱۲-۱- نقد منابع

منابع در پژوهش حاضر به دو دسته منابع اول و منابع دسته دوم قابل تفکیک هستند، که در ادامه به معرفی آنها می‌پردازیم:

منابع دسته اول:

-خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ که به قلم شاهرخ و راشنا رایترو و همچنین سرتیپ جهانگیر اشیدری نوشته شده است؛ کیخسرو شاهرخ از جمله اشخاص تاثیرگذار زرتشتی دردوران قاجار و پهلوی اول بوده است. او از انقلاب مشروطه تا پایان عمرش نقشی فعالانه در امور کشوری

داشت. او خاطرات خود در ارتباط با جامعه زرتشتی و تا حدودی مسائل مهم کشوری که او درگیر با آنها بوده است، را آورده است. این منبع به علت اینکه در زمان حیات او نگارش یافته و درباره مسائل اجتماعی و حکومتی صحبت کرده است دارای اهمیت فراوان بوده و مورد استفاده در این پژوهش قرار گرفته است.

-فرزندگان زرتشتی و تاریخ زرتشتیان تالیف رشید شهردان که در این کتاب‌ها به بررسی تاریخ اجتماعی زرتشتیان پرداخته شده و همچنین شخصیت‌های مهم زرتشتیان مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

-کتاب تاریخ شاهنشاهی رضاشاه پهلوی تالیف عبدالله امیرطهماسب که در خلال بررسی حکومت رضاشاه از زرتشتیان هم سخن گفته است.

-کتاب بنیادهای شاهنشاهی رضاشاه تالیف ابراهیم صفایی که به فعالیت‌های اجتماعی و اصلاحات عمرانی و اجتماعی در دوره رضاشاه پرداخته است و در این بین از زرتشتیان هم به عنوان کارگزاران در برخی از این پروژه‌ها یاد کرده است و اطلاعاتی درباره آنها در دسترس قرار می‌دهد.

-کتاب آیین‌نامه زرتشتیان تالیف اردشیر آذرگشسب موبد زرتشتیان دارای اطلاعاتی سودمند و دسته اول در باب مراسم و آداب دینی زرتشتیان و نحوه اجرای آنها در این دوره می‌باشد.

-رساله دینشاه سلیسیتر ایرانی که با توجه به حضور او در ایران به عنوان یک پارسی و گزارشاتی که درباره تاریخ اجتماعی و وضعیت اجتماعی آنها در این دوران ارائه می‌دهد مهم است.

-کتاب اسنادی از زرتشتیان معاصر تالیف تورج امینی که اسناد دسته اول مربوط به تاریخ اجتماعی زرتشتیان در این دوران را در دسترس قرار داده، دیگر منبع دسته اول استفاده شده در این پژوهش می‌باشد.

-ایران در گذشته و حال تالیف جکسن: از جمله سفرنامه‌هایی می‌باشد که در آن آداب و رسوم دینی و مراسم‌های زرتشتیان و همچنین محل سکونت و وضعیت عمومی آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

-الفبای جدید و مکتوبات آخوندزاده: او یکی از روشنفکران و ناسیونالیست‌های ایرانی در دوره قاجار بوده که گرایش‌های باستان‌گرایی داشت. او با زرتشتیان به خصوص مانکجی هاتریا از طریق نامه‌نگاری ارتباط داشت و در نامه‌های خودش تعریف زیادی از زرتشتیان می‌نمود ولی با این حال عقیده داشت که احیای دین زرتشتی امری ناممکن است. در مکتوبات آخوندزاده هدف نویسنده مبارزه با دین اسلام به عنوان مهم‌ترین عامل عقب‌ماندگی ایران و انحطاط مسلمانان و از جمله ایرانیان و آگاه ساختن ایرانیان به تاریخ پر عظمت باستانی خویش و تشویق برای احیاء آداب و رسوم ملی خود است و در این بین از زرتشتیان به عنوان بازماندگان نیاکان تعریف نموده است.

-تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی: این کتاب یکی از منابع مهم تاریخ ایران در دوران مشروطه به حساب می‌آید. این منبع مسئله قتل ارباب فریدون زرتشتی را که زرتشتیان در این دوران درگیر آن بوده‌اند را بررسی کرده است.

-کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس از انقلاب مشروطه ایران می‌باشد. در این منبع به قتل‌های زرتشتیان مقارن با انقلاب مشروطه و همچنین پیگیری‌هایی که انگلیسی‌ها در رسیدگی به وضعیت زرتشتیان ایران انجام می‌داده‌اند وجود دارد.

-کتاب نارنجی: در این کتاب هم گزارش‌های محرمانه وزارت خارجه روسیه درباره زرتشتیان و البته بیشتر در بازه زمانی ایام انقلاب مشروطه وجود دارد.

چهار منبع آخر در مبحث مربوط به حضور و اقدامات و فعالیت‌های زرتشتیان در انقلاب مشروطه برای ورود به فعالیت‌های آنها برای رفع محدودیت‌های اجتماعی‌شان و دستیابی به حقوق اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

منابع دسته دوم:

-کتاب رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین تألیف استفانی کرونین و ترجمه مرتضی ثاقب‌فر اطلاعات مفیدی در خصوص سیاست‌های مذهبی در دوره رضاشاه و وضعیت اقلیت‌ها ارائه می‌دهد.

-کتاب مشروطه و جمهوری تألیف دکتر علیرضا ملایی توانی در خصوص ایدئولوژی حکومت رضاشاه و زمینه‌های مذهبی آن و همچنین درباره ایدئولوژی باستان‌گرایی و ناسیونالیسم اطلاعات مفیدی را در اختیار می‌گذارد. و همچنین کتاب از کاوه تا کسروی درباره نظریات کسروی در مورد تشکیل دولت و حکومت ملی و ناسیونالیسم و تجلیل از تاریخ باستان به عنوان مدخل ورود به این مباحث در دوره رضاشاه اطلاعاتی سودمند را در اختیار می‌گذارد.

-کتاب بسترهای تاسیس سلطنت پهلوی تألیف حسین آبدیان درباره باستان‌گرایی و اهمیت زرتشتیان در این ایدئولوژی اطلاعاتی را در دست قرار می‌دهد.

-کتاب مقاومت شکننده جان فوران هم در خلال بررسی وضعیت ایران به زرتشتیان هم اشاراتی کوتاه دارد.

-کتاب تجدد آمرانه از تورج اتابکی که اطلاعاتی سودمند درباره حکومت رضاشاه و همچنین زرتشتیان در اختیار قرار می‌دهد.

-کتاب تاریخ روابط پارسیان هند و زرتشتیان ایران تألیف فرهاد صبوری‌فر در رابطه با ارتباط‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی زرتشتیان با هم‌کیشان زرتشتی‌شان در هند در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

-مقاله، کتاب‌های بمبئی و ابراهیم پورداوود نوشته افشین مرعشی در مورد وضعیت روابط پارسیان با زرتشتیان در این دوران و همچنین روابط بین حکومت و زرتشتیان و پارسیان بسیار مورد استفاده و سودمند واقع شد.

فصل دوم

وضعیت اجتماعی زرتشتیان ایران از حمله

عرب‌ها تا پیش از دوره پهلوی اول

۲-۱- زیست اجتماعی زرتشتیان بعد از حمله عرب‌ها و در قرون نخستین اسلامی

بعد از ورود اسلام و عرب‌ها به ایران همانطور که وضعیت سیاسی تغییر یافت، وضعیت اجتماعی هم برای مردم ساکن در ایران و به خصوص اقلیت‌های دینی و مذهبی خاصه زرتشتیان تغییر یافت و زندگی آنها را در تمام وجوه تحت تاثیر قرار داد، که در این فصل به آنها پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۱- نقش ادبیات پیشگویانه در پذیرش اسلام توسط زرتشتیان و زیست با یکدیگر

مسئله قابل توجه در باب مسلمان شدن زرتشتیان و یا به عبارت دیگر عدم مقاومتی تمام عیار و سازمان یافته جهت بیرون راندن اسلام از ایران و یا ایستادگی در برابر مسلمانان را می‌توان مربوط به اعتقادات دینی زرتشتیان و اعتقاد به ظهور منجی و ادبیات پیشگویانه‌ای که در این باره در آیین زرتشت وجود داشت مربوط دانست؛ بخشی از علل تسلیم شدن زرتشتیان به طبقه زیردست و پیروزی عرب‌ها ریشه در باور زرتشتیان به ادبیات پیشگویانه داشت که باعث می‌شد این شکست را پذیرا باشند و آن را توجیه کنند که این رخداد و تحول آنها را به زمان ظهور منجی نزدیک تر می‌کند. (چوکسی، ۱۳۸۱: ۷۱)

در مقابل مسلمانان هم باور قوی بر برتری و پیروزی قطعی اسلام بر دیگر ادیان را داشتند. این ادبیات پیشگویانه باعث شد که شرایطی که دو جامعه زرتشتیان و مسلمانان را از هم جدا می‌کرد پایان یابد. زیرا که عرب‌ها پیروز میدان بودند و بر خواسته خود فائق آمده بودند و زرتشتیان هم که این شکست را قدمی به سوی آخرالزمان و ظهور منجی می‌دانستند. (چوکسی، ۱۳۸۱: ۸۷)

علاوه بر این عواملی نظیر حفظ ثروت، برخورداری از آزادی‌های فردی، معافیت از مالیات و رهایی از محدودیت‌های اجتماعی، عوامل دیگری بودند که منجر به پذیرش اسلام از سوی زرتشتیان شدند. (چوکسی، ۱۳۸۱: ۸۹)

در نتیجه در دوره نخست و در دوران خلفای راشدین محدودیت‌هایی از لحاظ قانونی برای زرتشتیان وضع شد، اما این قوانین دارای گستردگی نبودند و بیشتر محدود به شناخته شدن گروه زرتشتیان از جامعه مسلمانان بودند. در این دوره به علت اینکه هنوز فتوحات کامل نشده بود، پافشاری و سختگیری مسلمانان بر غیرمسلمانان از جمله زرتشتیان، متمرکز بود بر پذیرش اسلام و